



جمال شورجه (فيلمساز) ، ابوالقاسم طالبی (فيلمساز) ، محمد کاسبی (بازیگر) ، رسول ملاقلی‌پور (فيلمساز)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینمانوگراف ۲

سینمای دیگر کشورها

با چنگ چه کرده؟

سعید مستغانی
بخش سی و پنجم

در ۱۸ دسامبر ۱۹۴۱ و پس از حمله به پرل هاربر و اعلان جنگ آمریکا به ژاپن، رئیس‌جمهوری آمریکا فرانکلین روزولت، دفتری به نام دفتر امور سینمایی (BMPA) در دل مرکز اطلاعات جنگ (OWI) تأسیس کرد تا استودیوها را به حمایت از مقاصد ملی کشور هدایت کند. هالیوود هم این دعوت را با تأسیس کمیته امور جنگی پاسخ گفت تا از طریق این کمیته، مدیران استودیوها، پخش‌کنندگان، نمایش‌دهندگان، بازیگران و رؤسای اتحادیه کارگران سینما را در خدمت اهداف تبلیغاتی و برنامه‌های ترویج احساسات جنگی درآورد.

در گزارش «هالیوود در جنگ» از جلد اول کتاب «تاریخ جامع سینمای جهان» نوشته دوییدا،کوک آمده که در این راهکار، دولت ۶ مقوله محوری به فیلم‌ها هالیوود ابلاغ کرد که هم با اهداف اطلاعات جنگی همخوانی داشتند و هم ارزش‌های سنتی سرگرم‌کنندگی فیلم‌ها را حفظ می‌کردند.

لوئیس جیکوب از مسئولین کمیته امور جنگی هالیوود این شش پیشنهاد را با این شرح فهرست نمود:

- مسائل جنگ: برای چه می‌جنگیم؟ شیوه زندگی آمریکایی
- حکایت‌های دشمن: ایدئولوژی‌اش، اهداف و شیوه‌هایش
- سازمان مل: از جمله متحدان ما در جنگ
- جبهه تولید: تدارک مصالح ضروری برای پیروزی در جنگ
- جبهه داخلی: تعهدات مردمی
- توان نیروهای دریگیر در جنگ: نیروهای مسلح ما، متحدان ما و رابطین ما

جنگ جهانی دوم و هالیوود



سال‌های سینما درآمریکا در طول جنگ، مرکز نمایش مستندهای جنگی و فیلم‌های داستانی دربرابر جنگ و گزارش‌های تازه‌ترین اخبار جنگ شده بودند و مردم هم برای دریافت آخرین خبرهای جنگ به این سالن‌ها، هجوم می‌بردند.

از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵، «وزارت جنگم، «اداره سمعی و بصری ارتش»، «برنامه آموزش جنگی»، «تخصیص واحد فیلم در نیروهای مسلح آمریکا (AAF)»، «واحد تصاویر متحرک»، «فیلم‌های نیروهای مشترک»، «نیروی دریایی» و «نیروی هوایی» و «شاخه موزای بحار (OWI) دست به تولید فیلم‌های مستند زدند تا بدینوسیله جنگ را برای نیروهای مسلح آمریکایی و حامیان مردمی آن توجیه کنند.

در همین زمینه کارگردان‌های معتبری مانند «فرانک کاپرا»، «جان هیوستن»،«جان فورد»، «جرج استیونس» و «ویلیام وایلر»، به ساختن فیلم تحت نظارت ارتش پرداختند. آنها به همراه مستندسازهایی چون «ویلارد ون دایک» و «بروینگ لرتز» به برنامه‌های سینمایی ارتش سرو سامانی دادند و فیلم‌هایی ساختند که در مجموع از ممتازترین فیلم‌های تاریخ سینمای جنگ به شمار می‌آیند:

سریال ۷ قسمتی «چرا می‌جنگیم؟» به کارگردانی فرانک کاپرا (که برخی آنها را با همکاری آنتونی لیتواک ساخته بود) شامل «درآمدی برجنگ» (۱۹۴۲) «حمله نازی» (۱۹۴۳)، «تقسیم شو تا پیروز شوی» (۱۹۴۳)، «جنگ بریتانیا» (۱۹۴۳)، «روسیه» (لیتواک-۱۹۴۳)، «جنگ چین» (۱۹۴۳)، «جنگ به آمریکا می‌آید» (لیتواک-۱۹۴۳) که به صورت اقتاع‌کننده و غیر رمانتیک، ضرورت شرکت آمریکا در جنگ را بیان می‌کردند.

جنگ جهانی دوم و سینمای بریتانیا

با آغاز جنگ دوم جهانی، پارلمان بریتانیا پس از توقف به تأثیر چشمگیر سینمافرن بر ذهن و روان، رسماً به استودیوها رهنمودهای ابلاغ کرد و طی آنها برخی از موضوعات را مناسب و برخی را ممنوع اعلام کرد. موضوعات مناسب عبارت بودند از:

- هدف بریتانیا از جنگیند
- شیوه بریتانیا در جنگ
- این قرار است بریتانیا در جنگ پیروز شود، نیاز به ایثار و از جان گذشتگی دارد از طرف دیگر فیلم‌ها بایستی برای بررسی و سانسور به بخش فیلم سازمان اطلاعات تسلیم می‌شدند، دولت به سینماها اخطار کرد که در صورت نمایش فیلم‌هایی که حاوی اطلاعات و اخباری برای دشمن باشند و به کارش بیایند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.
- اما خیلی زود اثرات دولت بر فیلمسازاری شکل عینی‌تری به خود گرفت، به این ترتیب که استودیوها را برای ذخیره کردن مهمات و مواد لازم و تولید فیلم‌های دولتی تحت اختیار گرفت و دست آخر، دو سوم عوامل فنی سینما را به خدمت فراخواند. در چنین شرایطی تنها ۳ استودیوی سینمایی فعال بودند و تولید فیلم از ۱۰۸ فیلم در سال ۱۹۴۰ به ۶۰ فیلم در سال ۱۹۴۲ رسید.
- با این حال گفته می‌شود که انگلیسی‌ها بیش از هر زمان دیگر فیلم می‌دیدند، در غذاخوری‌ها، انجمن‌های فیلم ارتش و نیروی دریایی، سالن کارخانه‌ها، اتوبوس‌های مخصوص نمایش فیلم و همچنین در سینماها فیلم می‌دیدند و در صورت شنیدن آزر خطر حمله هوایی در میانه فیلم، به پناهگاه می‌رفتند. آنتونیا لنت، محقق انگلیسی در مقاله «بریتانیا در پایان امپراتوری» در همان کتاب تاریخ تحلیلی سینمای جهان می‌نویسد:

«سینما هرگز در بریتانیا مانند زمان پایان جنگ جهانی دوم، محبوبیت نداشته است، انگار تماشاگران به همین تجمل و تفریح بصری و جسارت ظاهری پرده روشن سینما در مقابل تاریکی و سیاهی بیرون از سالن سینما زنده بودند.»
- جنگ جهانی دوم و سینمای ایتالیا**
- اگرچه سینمای ایتالیا در دوران پیش از جنگ دوم و در طی جنگ هم در دست فاشیست‌های موسولینی بود اما در همان سالها، برخی فیلمسازان ایتالیایی مانند مونژ و بوندری، فیلم‌های «لوکوینو اسکوتسی» و…که بعد از جنگ در سینمای این کشور مؤثر بودند، به ساخت فیلم‌های جنگی و افاشارگانه حکومت موسولینی روی آوردند. مورانود موراندینی در مقاله «ایتالیا از فاشیسم تا نئورالیسم» در کتاب «تاریخ تحلیلی سینمای جهان» می‌نویسد که فیلم‌هایی همچون «چه‌جا نگاهمان می‌کنند» ساخته ویتوریو دیسیکا درسال ۱۹۴۲ و «سوسه» ساخته لوکوینو اسکوتسنی در سال ۱۹۴۲ از جمله همین آثار بودند.
- اما همین فیلمسازان در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم با ساخت فیلم‌هایی درباره جنگ و عوارض آن، نوعی سینمای به‌وجود آوردند که به نئورالیسم معروف شد و گروهی از معروف‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما در همین سینمای نئورالیسم ایتالیا، به ثبت رسیدند؛ فیلم‌هایی همچون «هر شهر بی‌دفاع»، «پاپیزا»، «آلمان سال صفر» از روبرتو روسلینی، «هزد دوچرخه» از ویتوریو دیسیکا، «برنج تلخ» از جوزپه دستاتیس از جمله این فیلم‌ها بودند.
- بخشی دیگر از فیلم‌های جنگی ایتالیایی، نوعی سینمای کم‌دی بود که آن هم شهرت و معروفیت خود را در تاریخ سینمای جهان پیدا کرد و نوعی کم‌دی جنگی با فیلمسازانی مانند لوئیجی کومینچی باب کرد که تا سالپاین بعد، بسیاری از کم‌دی‌سازان از این نوع فیلم‌ها الهام گرفتند که از جمله در سینمای خودمان می‌توان به فیلم «لیلی با من است» کمال تبریزی اشاره داشت.

صفحه ۸

شنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۱ شوال ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۵۵۸



نادر طالبیان‌زاده (کارگردان) ، شهید آوینی (فيلمساز) ، مجید مجیدی (فيلمساز) ، هادی محمدیان (بوینامه) ، فرخ‌الله سلحشور (فيلمساز) ، ابراهیم حاتمی‌کیا (فيلمساز) ، مهدی قلیه (بازیگر) ، پروانه معصومی (بازیگر) ، مرتضی شعبانی (سنندساز) ، نادر میربازلی (فيلمساز) ، داوود ارجمند (بازیگر) ، شیروای بحرانی (فيلمساز) ، رابویش ارجمند (فيلمساز) ، شهید آوینی (فيلمساز) ، ناصر طالبیان‌زاده (کارگردان)

زنگ مجازی– جنگ ترکیبی

تصویری از «وعده صادق» در فضای مجازی

عزیزالله حمیدی(امتداجو)

عملیات «وعده صادق» با کیفیت و کمیته که همگان شاهد بودیم از سوی ایران در سرزمین‌های اشغالی، علیه رژیم صهیونیستی با تعدادی از پهلپادها و موشک‌های کروز و بالستیک انجام شد. اولین وجه این عملیات در نزد تمام کارشناسان، موضوع اراده ایران بر تنبیه رژیم جعلی اسرائیل بود که حد جسارت و گستاخی خود را افزایش داده و اقدام به تجاوز به کنسولگری ایران در دمشق کرده بود که طی آن تعدادی از مستشاران ارشد نظامی ایران به شهادت رسیدند.

تجربه‌های ماقبل، از جمله، حمله به عین‌الاسد یا شلیک‌های که ایران به مواضع داعش داشت موید این بود که بلافاصله بعد از این عملیات‌ها، کوچک سازی دستاوردهای حاصل از این عملیات‌ها برای ایران، خط و سناریوی فعالیت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی دشمنان بویژه رژیم صهیونیستی و رسانه‌های معاند فارسی‌زبان است که با تمام وجود تلاش می‌کنند تا عملیات‌ها و دستاوردهای بعد از آن را تقلیل داده و آن را نمایشی جلوه بدهند. کما فی السابق این بار نیز در فضای مجازی همسو با رسانه‌های فارسی‌زبان معاند همین خط و سناریوی رفتاری بلافاصله بعد از آنکه به کنسولگری ایران در دمشق حمله شد در دستور کار لشکر سایبری دشمن قرار گرفت و وعده‌ای کم سواد و بی‌دانش در پیروی از این خط ایجاد شده رفتاری و گفتاری در اینستاگرام در مرحله اول اقدام به سنجنیدن اراده ایران و در مرحله بعد دست به تقلیل عملیات وعده صادق بردند و تلاش کردند تا دستاوردهای بسیار بزرگ و حاصل از این عملیات را تاجیز و بی‌اثرش جلوه بدهند.

به راحتی می‌توان گفت لحظات اولیه شروع عملیات «وعده صادق» همراه با استرس و دلهره و اضطراب برای هر بیننده اخبار فضای مجازی بود که این اضطراب و دلهره‌ها در دو سوی ماجرا تفاوت معنایی بسیار داشت؛ در سمت ایران همه مردم هم‌زمان دست به دعا و استمداد از ائمه معصومین(ع) داشتند و با ذکر « و ما رمیت ااد رمیت و لكن الله رمی» و با خواندن سوره «فتح» در انتظار اصابت موشک‌ها و پهلپادها به اهداف بودند و در سوی دیگر ترس و اضطراب و دلهره اشغالگران سرزمین فلسطین بود که چندین ماه است یک شب راحت و بدون دلهره و ترس را برای کودکان غزه باقی نگذاشتند و از لحاظ آن شب، اولین شبی بود که کودکان غزه بدون راهمه ترس از صدای بمباران هواپیماهای فوق مدرن اسرائیل خوابیدند و با دیدن عبور موشک‌های ایران به سمت پایگاه‌های نظامی ندای الهی اکبر و حتی «یا حسین(ع)» سر دادند.



از حدود یک بامداد یکشنبه ۲۶ فروردین تا به صبح همان روز و نزدیک طلوع خورشید به طول انجامید و می‌توان گفت که شب بسیار پر ماجرا و پر خبری بود که علاوه‌بر خبرگزاری‌ها هر کدام با خط خبری خود اطلاع‌رسانی می‌کردند؛ مردم نیز در فضای مجازی بر حرارت اخبار می‌افزودند و وجه روانی ماجرا به نحوی پیش می‌رفت که هر کدام از طرفین تلاش داشتند غالب بر محیط روانی فضای مجازی باشند و دستاوردهای خود را بهتر و بزرگ‌تر معرفی کنند.

در یکسوی این عملیات «ایران» قرار داشت که اهداف عملیاتی خود را پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی تعیین کرده بود و به همه اهداف خود ضمن عبور از لایه‌های دفاعی متعدد دست یافت و دقیقاً پایگاهی را که کنسولگری ایران را مورد اصابت قرار داده بود مورد هدف قرار داد و همیشه رژیم اسرائیل و سپهر دفاعی آن را شکست و دل‌های آرزودگان جهان را شداد کرد. در سوی دیگر اسرائیل و پروپاگاندای رسانه‌ای و فضای مجازی‌اش بود که می‌خواست‌از وضعیت موجود ضمن رهایی، دستاوردی دیگر برای خود خلق کند و بدون آنکه به اراده پهلپادها و ترس را با توتان موشکی و برد عملیاتی اشاره شود؛ سپر دفاعی را برجسته کرده بود و تلاش داشت لایه‌های دفاعی خود را مطرح کند؛ در حالی‌که تصاویر شهری و فروشگاه‌ها و پناهگاه‌های سرزمین‌های اشغالی گویای حقیقت ماجرا بودند.

وختامت اوضاع رژیم صهیونیستی به حدی بود که هر چه تلاش کرد جریان رسانه‌ای و فضای مجازی را هم در اختیار بگیرد بی‌فایده بود و حتی جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق کاخ سفید هم که دشمنی شناخته شده‌ای با ایران دارد، «حزالت ایران یک شکست بزرگ برای بارزادندی‌گی اسرائیل و آمریکا بود»

اسکات ریتز، کارشناس آمریکایی بر صفحه خود بر سکوی X (توییتر سابق) نوشت چشم در برابر چشم، «نی سبانی» پژوهشگر مرکز امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با شبکه رادیو تلویزیون رژیم صهیونیستی گفت: از دیدگری خارج شدیم و گویی که در وضعیت مساوی هستیم، اما در حقیقت چنین نیست، پیروزی و موفقیت ایران، بزرگ‌تر و طابع‌تر است. روزنامه اسرائیلی هیوم نوشت: با حمله ایران عادلالت تغییر کرد؛ باید تهدیدهای ایران را جدی بگیریم، اسرائیل دیگر نتواند بدون در نظر گرفتن تبعات به اهداف ایران حمله کند؛ حمله موشکی ایران توانست مقابل اسرائیل بارزادندگی ایجاد کند، اکنون اسرائیل برای هر اقدامی باید دو بار فکر کند.

رسانه‌ها و کارشناسان داخلی هم، همگام با عملیات، و پس از آن اظهار نظرهایی تأثیرگذار بر فضای مجازی داشتند که به‌طور مثال سعدالله زاغی گفت: همان پایگاه هوایی که هواییهای اسرائیل بلند شد و سفارت ایران را در دمشق زد با موشک زدایم. امیر علی الوائفتح اشاره کرد: اگر آمریکا از سال‌ها پیش سیاست مسئولانه‌ای را در قبال رفتار اسرائیل، در قبال فلسطینیان در پیش گرفته بود، الان اوضاع منطقه غرب آسیا این‌گونه وخیم نبود که آمریکایی‌ها بگویند که با تشدید بحران کل دنیا ضرر می‌کند. علی‌رضا زابدر هم گفت: دوستان تنبیر استراتژیک و عقلایت جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برند. نتیجه آن صبر استراتژیک و عقلایت، این نتیجه بزرگ بود. دوستان شاد و جشنوری عصبانی‌باشند. آمریکا توانست موشک‌ها را درهایی کند؛ گنبد آهنین یاره تنبیه شد. ایران. مقتدر را می‌شنیدیم اما از این به بعد باور می‌کنند. سید پویان حسین پور هم در جمله کارشناسانی بود که عنوان کرد: نیروهای مسلح ایران در مرحله نخست عملیات وعده صادق که با رمز مقدس «پاروسول‌الله» و در پاسخ به تجاوزگری اسرائیل علیه خاک ایران انجام شد، در یک شاکهار اطلاعاتی، عملیاتی، ضمن فریب و مشغول‌سازی سامانه‌های پافندنی رژیم صهیونیستی، تقاطی را در سرزمین‌های اشغالی با موفقیت هدف قرار دادند.

هدف اصلی این عملیات ترکیبی، مهم‌ترین پایگاه هوایی رژیم صهیونیستی در صحرای نقد بود که مورد اصابت‌های موفق قرار گرفت. نیروهای مسلح ایران در این عملیات به دنبال نابودی کامل رژیم صهیونیستی نبوده و صرفاً یک پاسخ پشیمان‌کننده را علیه رژیم صهیونیستی اجرا کردند. اظهار نظرهایی کارشناسی از هر دو طرف گویای آن است که ایران ضربه بسیار کاری و تأثیرگذار و در حد بارزادندگی و آشنیدی با هر رژیم صهیونیستی وارد کرده و علاوه‌بر آن، همیشه پویانالی این رژیم را نیز فرو ریخته و افسانه‌های مربوط به دفاع گنبد آهنین را هم کاملاً بر باد داده. با توجه به این نظرات و بی‌شمار اظهارنظرهای موجود دیگر در مجموع می‌توان گفت: حیثیت رژیم صهیونیستی در سر‌تا‌سر عالم و در داخل سرزمین‌های اشغالی دچار خدشهایی جبران ناپذیر شده که عواقب آن من بعد و هر مرور بیشتر آشکار خواهد شد. اما خط ایجاد شده در فضای مجازی از سوی این رژیم ۱۸۲۰۰ روز است که تا ناخش از آن همه توان

اختیار فضای مجازی را در دست بگیرد و با جمله‌بندی‌ها و تصویرساز‌ی‌ها، بویژه با اکات‌های فارسی و با نفوذ به کانال‌ها و گروه‌های ایرانی از ارزش کار بزرگی که صورت گرفته بکاهد و عملیات روانی ترکیبی را برای تحت‌الشعاع قراردادن نتایج این عملیات (وعده صادق) به‌کار بگردد که هم هوشمندی و هم آگاهی مخاطبین فضای مجازی را می‌طلبد تا بتوانیم استفاده درستی از دستاوردهای بزرگ عملیات وعده صادق داشته باشیم. یکی از بزرگ‌ترین و پرطرفدارترین کانال‌های مجازی معروف به رسانه‌ای «غزه آلان» بغداد عملیات نوشت: ایران در چند دقیقه معادله را تغییر داد؛ این کانال خبری که مهم‌ترین کانال پوشش اخبار جنگ غزه با حدود دو میلیون دنبال‌کننده است در واکشش به عملیات تنبیهی ایران علیه رژیم صهیونیستی این چنین تحلیل کرد که ایران، تنها کشوری است که در چند دقیقه معادله را تغییر داد، پس از اعلام حمله ایران به «اشغالگری اسرائیل» آسمان غزه از هواپیماهای اسرائیلی خالی شده و این اولین بار از ۱۷ اکتبر بود که این اتفاق می‌افتد. ایران تنها کشوری است که در چند دقیقه معادله را تغییر داد.

در بی رصد اخبار و تصاویر حمله ایران به اسرائیل حدود سه تصویر بود که بیشترین توجه‌ها را در فضای مجازی و در بین کارشناسان به خود جلب کرد. تصویر اول عبور دسته پهلپادی ایران از آسمان کرپلا و حرم امام حسین(ع) بود که شعار «مسیر قدس از کرپلا می‌گذرد» را درباره در ذهن‌ها ندایی کرد. تصویر دوم عبور موشک‌ها از بالای مسجدالامینی بود که تصویر ماندگاری از این حمله بود که برای دل‌های آگاه بویخش بود؛ گرچه در بلاهتی محض اسرائیل با انتشار این تصویر می‌خواست برداشت دیگری داشته باشد؛ اما با همین تصویر، امید به آزادی قدس در نزد مسلمانان با واکنش‌های که در فضای مجازی ایجاد شد مشخص است که افزایش پیدا کرده و حتی صفحه مرتبط با رهبر انقلاب اسلامی تحت عنوان Xhameeni.ii هم به‌کارگیری این تصویر نوشت؛ قدس شریف در اختیار مسلمان قرار می‌گیرد و دنیای اسلام ازادی فلسطین را جشن خواهد گرفت. تصویر سوم نیز عبور پهلپادها و موشک‌ها از بالای کنتت و مجلس اسرائیل بود که به شدت مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفت و نظر کارشناسان نظامی و حتی اجتماعی و سیاسی را در جهان برانگیخت و این تصویر را دارای پیام بسیار بزرگی دانستند و گفتند: پرواز موشک‌ها بر فراز «کنتت» یعنی پیروزی بزرگ ایران.



است و همان‌طور که برای شخصیت‌های داستان سرچشمه زندگی است برای هر دوگانه‌ای در کاخادشان در ۵۰۰ سال قبل داشتند. این معنی برخاسته از روایت داستان و نقش‌های ماندگاری است که بین صحنه‌های داستان می‌آیند. ماند است که در آن هنرمندان از هماهنگی و تعادل بین عناصر مختلف استفاده می‌کنند. این هنر بیانگر تحول درونی و تعادل بین حضرت یوسف (علیه‌السلام) و مهاجرت به مصر، بنی‌اسرائیل با دیوان‌داری و حکومت‌داری دنیوی مصریان آشنا شدند به‌دوره طلایی یهود«حکومت داوود و سلال از ورود یعقوب و بنی‌اسرائیل به



مصر، خداوند به ناله و استغناشه ایشان بر اثر شدت ظلم مصریان توجه نموده، خدایان اسطوره‌ای داستان فرمود و به این ترتیب بنی‌اسرائیل از بندگی مصریان نجات یافتند.

بخش ابتدایی و پایانی داستان که پدر و پسر از ماجرای این دو کشور پیشقدم می‌شوند مقبول جلوه دادن چهره یهود است. پدر رابا، رئیس بنجاس است که در سرزمین قلب حکومت می‌کند و محافظ جواهر اِزدهاست. بنجا مخفف بنجامین یا بنیامین هست. در کتاب مقدس، او را فرزند راحیل همسر محبوب یعقوب می‌دانند که معنی اشمن می‌شود؛ پسر توانمند من، پسر دست راست، پیروز در آینده، پسر جنوب، چرا که بین فرزندان یعقوب فقط بنیامین در جنوب، کنعان، متولد شد. از نَسب به مانند اکثر آثار غربی، انسان بر خدا

به بهانه پویانمایی «رایا و آخرین اژدها»

دست‌درازی صهیونیست‌ها به عرفان شرقی

صالحات دارد با وجودی‌که مسئله اونامیس (انسان محوری به جای خدا محوری) منقوله‌ای است که بعد مدرنیته به وجود آمد و در این داستان که نه تنها خردی از مدرنیته نیست بلکه بر ضد آن است، بشر بر خدا غالب است، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدرنیته، پشت کردن به سنت و گذشته است در حالی‌که این داستان میل بازگشت به سنت پیشینیان را دارد. بحث اونامیس در کنار قاتل خیر و شر، بلایای عظیم آخر الزمان، غصب سرزمین توسط پیشبان یا موجودات ارضی و حمله به محل زندگی مردم از مؤلفه‌های سینمایی آخر‌الزمانی یهود است. راسته نماینده نژاد برتر و مظلوم یهود است منجی نژاد داستان است که عامل نجات و اتحاد انسان‌ها و همبستگی‌شان با خدایان می‌شود.

رایا بر جزوقایی‌های سرزمین و ناگاههی اژدها (خدای اسطوره‌ای) مرامسی اجرا می‌کند. این مراسم در آیین یهود، عید فصخ نامیده می‌شود؛ عید آزادی یهود در بزگی مصریان. سفارین نسبت و عید



خواهاند گرفت و هر گرفتاری تازه چنان شدید خواهد بود که گرفتاری‌های قبلی را با دها خواهد برد.

چهره شخصیت‌های سرزمین قلب بسیار شبیه یهودیان سفاردی است. یهودیان سفاردی یهودیان اسپانیا و پرتغال هستند. ایمن یهودیان به مدت هزار سال در آن منطقه زندگی می‌کردند تا آن که در سال ۱۴۹۲ یهودیان گلیسیا کاتولیک از آنجا رانده شدند. این یهودیان به شمال آفریقا، هلند، انگلیس، فرانسه، لهستان، امپراتوری عثمانی و آمریکای جنوبی مهاجرت کردند. حضور این یهودیان در سال ۲۰۲۱ به کارگردانی مشترک پل ریگزی و جان ریبا و بر اساس ایده‌های سینمایی پردی ریموند اکران شد. داستان شاهزده جنگجویی را روایت می‌کند که برای نجات پدرش در جست‌وجوی آخرین اژدهاست و بعد دوستی با اژدها‌ی می‌گیرد برای نجات گذاشته‌اند.

پویانمایی (انیمیشن) مانند ادبیات و سینما، بستر خوشای چند وجهی و متنکر است. هر شخصی به سلیقه فردی، یک روش تحلیل را پیش گرفته است؛ عداه‌ای از منظر روانکاوی به آن می‌پردازند؛ برخی جامعه‌شناسی، فلسفی و معرفتی، آن دیگری از دیدگاه زیبایی‌شناسی، فرم و تکنیک و… از آنجایی که هر اثر هنری، حامل معنا، مندلول هدف، تأثیر و مبانی است، پسندیده است در تحلیل به تمامی جوانب اهتمام داشت. محمد حسین فرج نژاد در کتاب دین در سینمای شرق و غرب اینچنین می‌نویسد: «انیمیشن صنعتی پرخرج، تکنیکال، پیچیده و فانتزی است؛ کار تحلیل و تفسیر روی آن سخت‌تر شده و قطعاً منتقد تحلیلیگر نیز باید هوشمندی و مطالعه بیشتری داشته باشد تا بتواند از پژوهش دربرابر اثر هنری، هنرمند، جامعه و زمانه خلق یا کشف اثر به معنا، مندلول، هدف، تأثیرات و مبانی آن اثر بی‌برد.»

از آنجایی‌که تبسادل فرهنگی به وسیله هنر انیمیشن، هویت یافته و بیننده در هر رده سنی که باشد مخاطب هدف نظام فکری سازندگان اثر هست قلنا سینمای دینی و دین در سینما، مقوله‌ای غیر قابل چشم‌پوشی است. کاشیسته است خاطر نشان شود که مقصود مؤلف نوشته، از تحلیل دینی و معرفتی اثر، به پشتوانه تحلیل تائیکتی، نمادیک و استرژتیک آن هست، نه ناکیده‌گرفتن فرم و تکنیک.

بدیهی است سینما با ترکیب پیچیده فرم، صنعت، هنر و اندیشه و نهم زانمود دین در آن، دین آینده خود جهان را جهت‌بدهد. در این میان، کمپانی‌های یهودی‌انیمیشن‌سازی غرب مدت‌هاست به ادیان و عرفان‌های شرقی توجه ویژه دارند. پرورش شوهر است برای مخاطبی که به واسطه شیوه اجرای مُنتِج و جلوه‌های بصری ناب این آثار مسحور شده و عمان اندیشه را از دست می‌دهد باید چرایی پدرازش به این

مکتاب شرقی توسط سازندگان غربی، تبیین شود.

به راستی چرا سران یهودی کمپانی‌های انیمیشن در جوار یهودیت و مسیحیت در عرفان‌های شرقی مُدافه می‌کنند؟

در پاسخ باید گفت: زمینه مشترک معرفتی و تأثیر پذیری یهود از اسطوره‌های یونانی و مصری، میترائیسم ایرانی، تثلیث بابلی و شرک گریایی قبلا در ادوار تاریخی، شالوده حمایت زرساله‌ی و احاب است که از اشراقی است. بسیاری از این مکتاب، تعریف واضحی از خدا ندارند یا دچار چند خدایی‌اند، و تثیت(بت‌پرستی)، تثویت(دوگان‌پرستی)، تثلیث(سه خدایی) و تفکرات شرک‌گرایانه، اساس مبانی معرفتی و فکری این ادیان است. پر واضح است وقتی سنتی با ادیان معرفت و شناخت، یعنی توحید و یگانه‌پرستی، رد شهود، روح خداجوی انسان‌رایی ارضای خدا طلبی خود شریک‌هایی برای الهه‌ قائل می‌شود.

حال اگر انسانی که در برابر جادوی رسانه، منفعل و بی‌اراده است از آن تأثیر پذیرد، دشوار می‌توان منش و افقته که از این مفاهیم شرک‌گرایانه در او شکل می‌گیرد را از بین برد. به فرموده شاعر:«فریاد از بین تو لگ، که به هر خار خونی»، فرجام این اثرپذیری منفی، دنروزدینن حدود الهی و ارزش‌های اخلاقی است که انسان را به سفق و انحراف از مسیر الهی می‌کشاند. حال، مُبرهن است که چرا سازندگان یهودی انیمیشن‌های غربی، خودشان را همچون آفتاب‌پرستی به رنگ ادیان و جوامع شرقی در می‌آوردند تا با شکار اندیشه و معرفت وجودی این جوامع به خواسته‌های یهودی صهیونیستی خود دست یابند. پویانمایی «رایسا و آخرین اژدها»

مشتی نمونه خوراز از تولیدات کمپانی صهیونیستی والت دیزنی است که محل پردازش عرفان‌های شرقی است. کمپانی والت دیزنی اکنون غول تجاری‌هالیوود دانسته می‌شود. دفتر مرکزی این شرکت و استودیوی اصلی آن در شهر برینک ایالت کالیفرنیا است. این کمپانی در مجموع هشت استودیوی فیلم‌سازی، هشت بنگاه انتشارات، کتاب، ۱۰ استودیو تلویزیونی، ۱۳ ایستگاه رادیویی، ۱۲ کانال پخش بین‌المللی، هفت واحد تولیدی و ورزژیسی و ۱۷ سایت اینترنتی در اختیار دارد.

پویانمایی «رایا و آخرین اژدها» در سال ۲۰۲۱ به کارگردانی مشترک پل ریگزی و جان ریبا و بر اساس ایده‌های سینمایی پردی ریموند اکران شد. داستان شاهزده جنگجویی را روایت می‌کند که برای نجات پدرش در جست‌وجوی آخرین اژدهاست و بعد دوستی با اژدها‌ی می‌گیرد برای نجات گذاشته‌اند.